



مهناز (میم) پور*

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «شیوه قرآنی حضرت امام باقرالعلوم (ع) در مناظرات ابتدا به توضیح و تبیین شخصیت امام محمد باقر (ع) و جایگاه آن حضرت در آیات قرآن می پردازد. سپس با رویکرد تاریخی، اوضاع سیاسی - اجتماعی و فرهنگی عصر آن حضرت را بیان می دارد. آنگاه پس از ذکر چند نمونه از مناظرات آن حضرت از لابه لای آنها اصولی را بیان می دارد که برخاسته از خصیصه حکمت است و آن اصول الگویی مناسبی در جهت کسب مهارت های ارتباطی در تعاملات اجتماعی هستند. نتیجه مقاله این است که پایه استدلالات امام باقر (ع) در مناظرات بر پایه علم امامت و با استدلال به آیات قرآن صورت گرفته است و از آن جایی که آن حضرت شبیه ترین مردم به رسول خدا (ص) بود اخلاق آن حضرت اخلاق قرآنی بود که در مناسبات اجتماعی با توجه به شرایط و مقتضای حال به اصولی چند مبتنی بود. کلید واژه: امام محمد باقر (ع)، شخصیت قرآنی، اوضاع سیاسی اجتماعی، مناظره، خصیصه حکمت، اصول حاکم بر مناظرات.

مقدمه

مقاله حاضر با هدف دست یابی به شیوه قرآنی مناظرات امام باقرالعلوم (ع) تدوین شده

است. برای رسیدن به این هدف بعد از معرفی شخصیت امام باقر(ع) به اوضاع سیاسی اجتماعی عصر امامت آن حضرت به طور مختصر پرداخته می شود آن گاه به توضیح شیوه مناظره که گفتمانی است برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دو جانبه می پردازد. یکی از شیوه هایی که امامان شیعه(ع) جهت حقانیت عقاید صحیحه اسلام و تشیع و تثبیت مقام امامت حقّه به تناسب زمان به آن اقدام می کردند مناظره بود. اولین مناظراتی که از امامان اهل بیت(ع) گزارش شده به دوران صادقین(ع) و به خصوص دوران امام صادق(ع) به اوج خود می رسد. آن حضرت شاگردان متبحری را در این زمینه پرورش داده بودند. در زمان حضرت امام ابوالحسن الرضا(ع) نیز به دلیل شرایط و موقعیت های که به طور رسمی و غیررسمی برای آن جناب پیش آمد جهت تبیین عقاید صحیحه اسلام که به دلیل ترجمه و نفوذ فلسفی و غیره دچار تزلزل و انحراف شده بود آن حضرت اقدام به مناظره با علمای ادیان و سایر فرق اسلامی نمودند.

هدف این مقاله تبیین شیوه قرآنی مناظرات حضرت امام باقر(ع) می باشد که بر اساس شیوه ی حکمت و مستدل به برهان که با تکیه بر علم امامت و قرآن صورت گرفته تدوین شده است. او صاحب خلق و خوی قرآنی بودند که در سیره آنان به صورت های مختلف با توجه به مقتضیات زمان به عرصه ظهور رسیده است.

امام ابو جعفر باقر العلوم(ع)

پنجمین حجت برگزیده خدای تعالی حضرت امام محمد بن علی مکنی به ابو جعفر و ملقب به باقر است و به آن حضرت شاکر، هادی، دافع و ذاکر نیز گفته اند. آن حضرت بزرگ ترین فرزند امام سجاد(ع) می باشد. در بین امامان اهل بیت(ع) دو امام بر اساس روایت نبوی(ص) شبیه ترین مردم در خلقت و خلق و خوی به آن جناب می باشند. اولی چهارمین اهل کسا که به واسطه مادر عالی قدرش از پیامبر خاتم(ص) هیئت ظاهری و باطنی و نیز خلق و خوی عظیم محمدی(ص) را به ارث برده بود و دیگر امام ابو جعفر باقر العلوم(ع) که از مادر به امام حسن مجتبی(ع) و از پدر به حضرت اباعبدالله الحسین(ع) منتسب می شد، و در بین امامان اهل بیت(ع) این شرافت خاص آن حضرت بود که سیادت حسنی و حسینی را یک جا به همراه داشت. مادر گرامی آن حضرت ام عبدالله فاطمه بنت الحسن(ع) در مقام صدیقین و از شبیه ترین بانوان اهل بیت(ع) به حضرت صدیقه طاهره(س) است آن حضرت -

بانویی مستجاب الدعوه بود. در روایتی امام باقر(ع) می فرماید: روزی من و مادرم کنار دیوار نشسته بودیم ناگهان دیوار ریزش کرد و در معرض ویرانی قرار گرفت مادرم دست به سینه دیوار نهاد و گفت به حق مصطفی سوگند اجازه فرو ریختن نداری، دیوار بر جای خود ماند تا مادرم از آنجا دور شد. سپس فروریخت. ۲ امام صادق(ع) درباره عظمت این بانو می فرماید: «کانت صدیقه لم تدرک فی آل الحسن امرأة مثلها»^۳. در تاریخ ولادت و شهادت امام باقر(ع) اختلاف است اما قول مشهور در فرهنگ عامی شیعه موافق با نظر کلینی و مفید است. میلاد آن حضرت اول رجب سال ۵۷ هـ ق، و شهادت آن جناب در سن ۵۷ سالگی مصادف با هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ هـ ق واقع شده است. ۴ مشهورترین لقب آن حضرت «باقر» است که رسول خدا(ص) پیش از ولادت او را به این لقب ملقب ساخته بود. بنا به روایت مشهور روزی رسول خدا(ص) به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «انک ستبقی حتی نری رجلا من ولدی أشبه الناس بی، اسمه اسمی، اذا رأیته لم یخل علیک فاقترته منی السلام»^۵. همچنین در روایت دیگر از جابر نقل شده: قال لی رسول الله(ص): «یوشک ان تبقی حتی تلقی ولدای من الحسین یقال له «محمد» یبقر علم الدین بقرا فاذا لقیته فاقراه منی السلام». شیخ صدوق(ره) در علل الشرایع از جابر جعفی نقل می کند: برای چه حضرت باقر(ع) «باقر» نامیده شد. گفت: برای اینکه او علم را شکافت و توسعه داد و آشکار ظاهر نمود. ۶ راغب در مفردات در ذیل ماده البقر می نویسد: امام محمدبن علی(ع) را «باقر» نامیده اند. زیرا آن حضرت حقایق علوم را به صورت دقیق و موشکافانه بررسی و توسعه می داد. ۷ نقل روایات نبوی(ص) در شأن امام باقر(ع) باعث شهرت این لقب گردید و پس از آن، مجلس آن حضرت محل تجمع و استفاده شمار فراوانی از روایان و محدثان اهل سنت شد. از این رو این لقب وجه عملی نیز به خود گرفت. ۸

هنگامی که زید بن علی(ع) نزد هشام بود؛ هشام با توصیف امام باقر(ع) با کلمه بقره می خواست آن حضرت را تحقیر نماید، زید شهید در جواب او گفت: «سمّاه رسول الله باقر العلم و انت تسمیة البقرة! لقد اختلفتما اذاً»^۹؛ یعنی پیامبر او را باقر العلم نامید و تو بقره می نامی! پس میان رسول خدا و تو به طور حتم اختلاف وجود دارد.

شخصیت قرآنی امام باقر(ع)

امام باقر(ع) از مصادیق بارز آیه تطهیر و مودة فی القربی است. زیرا به هنگامی که

اسرای کربلا را وارد شام نمودند شیخی در آستانهٔ درب مسجد به آنان نزدیک شد و پس از حمد خداوند گفت: سپاس خدا را که شما را کشته و به هلاکت رساند و امیرالمؤمنین-یزید- را بر شما مسلط کرد. امام سجاد(ع) در پاسخ فرمودند: ای شیخ آیا قرآن خوانده‌ای؟ خداوند از قول رسول خدا(ص) فرمود: من پاداشی جز مودت در مورد خویشان نمی‌خواهم... آیا آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» [الاسراء، ۱۷/۲۶]؛ را خوانده‌ای... آیا آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ... وَلِذِي الْقُرْبَىٰ» [الانفال، ۸/۴۱]؛ را خوانده‌ای... آیا آیه تطهیر را خوانده‌ای...». شیخ گفت: آری. امام(ع) فرمود: «ای شیخ ما اهل بیتی هستیم که خداوند آیه تطهیر را به ما اختصاص داده است». ۱۰

امام باقر(ع) درباره اهل بیت(ع) می‌فرماید: ما اهل بیت رحمتیم و شاخه‌های درخت نبوتیم و معدن حکمت و محل آمد و شد فرشتگان و مهبط وحی هستیم. ۱۱

اوضاع سیاسی اجتماعی

در میان امامان شیعه پس از امیرمؤمنان علی(ع) بخش عمده‌ای از روایات به صادقین(ع) می‌رسد. و این امر به دلیل موقعیت خاص سیاسی جامعه آن روز بود که آنان بیش از دیگر امامان اهل بیت(ع) فرصت نشر علوم آل محمد(ص) را یافتند. از این رو درباره امام باقر(ع) گفته شده: لم يظهر من ولد الحسن و الحسين من العلوم لله إلا ما ظهر منه في التفسير و الكلام و الاحكام و الحلال و الحرام. ۱۲ از امام باقر(ع) پرسیدند از حدیثی که به طور ارسال نقل می‌فرمایید و اسناد به کسی ندهید؟ فرمود: «هرگاه من حدیثی گفتم و به کسی مستند نکردم پس سندش در آن حدیث پدرم می‌باشد که از پدرش از جدش رسول خدا(ص) از جبرئیل از خدای عزوجل آن را نقل فرموده است». ۱۳

عصر باقرین(ع) از نظر پیدایش و رشد مشرب‌های گوناگون فقهی و کلامی عصری حساس و از نظر تضارب افکار و اندیشه‌ها حوزه وسیعی در جهان اسلام پدید آمده بود. در عصر اموی که جز جهل و رکود علمی بر مردم را نمی‌پسندیدند به سبب شرایط اختناق و اوضاع سیاسی امام باقر(ع) به تعلیم و آموزش علوم گوناگون به مسلمانان مشغول بودند. ۱۴ امام باقر(ع) به اشاعهٔ علوم حدیث، تفسیر قرآن، فقه قرآن و قصص قرآن. المعنی فی القرآن یعنی معنای قرآن، مفهوم ولایت در قرآن، دلالت الفاظ در قرآن بیان شأن نزول، علم کلام، فقه و سایر علوم همچون تاریخ، نحو، رجال ادبیات، شعر و خطبه مشغول بودند. ۱۵

با افول بنی امیه نشاط تازه‌ای در عرصه تفکر در مسائل اسلامی پدیدار گشت و با تحقیق آزادی نگارش حدیث گام‌های بلندی در تدوین علوم دینی برداشته شد. اما زمینه مساعدی جهت محو و تحریف اندیشه‌های دینی - از طریق رأی در تفسیر، جعل در حدیث صدور فتوی بر اساس رای و قیاس به وجود آمد. در دوران صادقین (ع) امواج فکری زیر در جامعه اسلامی حضور داشتند:

۱. مذاهب کلامی اهل سنت مانند مرجئه، معتزله، قدریه، خوارج با شعب متعدد.
۲. مشرب‌های فقهی متشکل از اصحاب رای و قیاس و اصحاب نقل حدیث.
۳. فرق و مذاهب شیعه مانند کیسانیه، امامیه و زیدیه.
۴. گروه‌های الحادی، زنادقه و غلات شیعه.

علاوه بر آن عصر ترجمه شکل گرفته بود و کتب متعدد در علوم طبیعی، ریاضی، موسیقی و کلام در آغاز ورود به تفکرات مسلمین بود در نتیجه شرایطی به وجود آمد که تشخیص راه صحیح از خطوط انحرافی به دشواری صورت گرفت. تاریخ بیانگر این است که صادقین (ع) با جریانات فوق برخورد فعالی داشتند آنان با ارباب علوم و عقاید باب بحث و مناظره را گشودند و عده‌ای را به عنوان فقیه، محدث و متکلم تربیت کردند تا سنت نبوی (ص) در چهره تشیع علوی (ع) و مذهب جعفری (ع) تحقق یابد. ۱۶

مناظره

مناظره در لغت: به معنای در امری با هم بحث و گفتگو کردن، فکر کردن در حقیقت و ماهیت دو چیز و با هم سوال و جواب کردن، به کار رفته است. ۱۷ و در اصطلاح: سخن گفتن جمعی است طبق قواعد یعنی که به اثبات یا نفی مسأله پردازند و با بهره‌گیری از استدلال نظر خود را ثابت کنند. ۱۸

در مناظره باید چند مسئله مقدماتی را در نظر داشت: اول: موضوع مناظره است. در مناظره باید قضیه یا موضوع به صورت مثبت طرح شود و برای اثبات یا رد آن دلایلی اقامه گردد. دوم: موضوع باید مسأله روز باشد. سوم: تعداد شرکت کنندگان در مناظره است، باید در مناظره یک نفر مدیر جلسه باشد و دو گروه یا دو نفر یا یک گروه یا یک نفر طرفدار اثبات قضیه باشند. چهارم: رعایت شکل صحبت: یعنی اگر گروه طرفدار اثبات قضیه ابتدا سخن بگوید گروه طرفدار نفی قضیه باید گوش داده و ساکت باشند و پس از اتمام

در رد موضوع استدلال کنند.^{۱۹} این شیوه در مناظراتی که در دوران امامت و ولایتعهدی حضرت ابوالحسن الرضا(ع) در حضور مأمون صورت گرفته در کتب روایی همچون «عیون أخبار الرضا(ع)» گزارش شده است.^{۲۰} اما سایر مناظراتی که از ائمه اطهار(ع) گزارش شده بیشتر در قالب سؤال و جواب است.

شیوه مناظرات در قرآن

قرآن مجید عقل را در مقام معرفت حقیقی ارج نهاده و بر اقامه برهان و دلیل که اساس ایمان است ایستادگی می‌کند. از این رو آئین اسلام را بر پایه علم و معرفت و عقل و برهان قرار داده است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (النساء، ۴/۱۷۴)، و یا آن که می‌فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (البقرة، ۲/۱۱۱).

قرآن کریم خط مشی دعوت گران الهی را که انبیای عظام و اوصیای ایشان هستند در آیه: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (النحل، ۱۶/۱۲۵)، ترسیم کرده است. اما آیه از آوردن این سه شیوه که یک دعوتگر در روش تبلیغی خود باید آن را به کاربرد ساکت است، و این به آن جهت است که تشخیص این سه مورد به عهده مبلغان و دعوتگران الهی است که به مقتضای حال مخاطبین هر شیوه‌ای را که حسن اثرش بیشتر باشد باید به کار بندند و ممکن است در موردی هر سه طریق به کار گرفته شود.

شیوه برخورد حضرت ابو جعفر محمد باقر(ع)

عصر امام باقر(ع) مصادف است با آغاز پیدایش جریانات و انحرافات فکری و ظهور فرقه‌های متعدد مذهبی و سیاسی همچون معتزله، جهمیه، فوریه و متکلمان در صفات باری تعالی و رو به افزایش نهادن پیروان این فرقه‌هاست.^{۲۱}

مناظراتی که از حضرت باقر(ع) در کتب روایی نقل شده همگی در جهت روشنگری عقاید صحیح اسلام و مکتب اهل بیت(ع) می‌باشد که در طول یک قرن از زمان خلفا سپس بنی امیه به انحراف کشیده شده بود برخورد امام باقر(ع) در مقابل این جریانات به صورت مستقیم در قالب مناظرات رو در رو و غیر مستقیم از طریق تربیت شاگردانی همچون زرارة بن أعین، ابوبصیر، محمد بن مسلم، جابر بن جعفر جعفی، برید بن معاویه، فضل بن یسار که از ارکان علمای شیعه بودند صورت گرفته است. امام صادق(ع) در مورد

یاران پدر بزرگوارش که از حاملان احادیث او بودند فرموده‌اند: «احادیث پدرم را کسی جز زراره، ابوبصیر مرادی، محمد بن مسلم، برید بن معاویه از خطر محو و اندراس حفظ نکرد. اگر اینها نبودند کسی هدایت نمی‌یافت اینها حافظان دین و مورد اعتماد پدرم بر حلال و حرام الهی هستند. اینها در دنیا و آخرت به سوی ما سبقت گرفته‌اند». ۲۲

از آن جایی که شیوه طریقه‌ای است که هر صاحب اندیشه برای رسیدن به مراد خود بر می‌گزیند شیوه حضرت باقرالعلوم (ع) با الهام از آیه ۱۲۵ سوره نحل مبتنی بر اصل حکمت و موعظه استوار بوده است. اما این اصل در مناظراتی که از آن حضرت روایت گردیده است به مهارت‌های ارتباطی بین فردی باز می‌گردد. مهارت‌های ارتباطی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که سبب سازگاری با دیگران و شکل‌گیری رفتارهای مثبت و مفید می‌گردد. این توانایی‌ها انسان را قادر می‌سازند تا نقش مناسب خود را در جامعه به خوبی ایفا کند. درسیره معصومین (ع) مهارت‌های ارتباطی در قالب آداب معاشرت ذکر گردیده است. معاشرت به معنای مصاحبت، همدمی و نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی به نیکوترین صورت برخورد می‌نمودند.

بر اساس شیوه امام باقر (ع) در مناظراتی که نقل می‌گردد. شیوه حکمت و موعظه تعریف می‌شود. پایه و اساس پاسخ‌هایی که امام باقر (ع) در مناظرات فرموده‌اند با استناد به قرآن و روایت و با تکیه بر علم امامت که همان علم لدنی است صورت گرفته است. ۲۳ در روایتی امام باقر (ع) به ابوجارود می‌فرماید: «اذا حدّثتکم فأسألونی من کتاب اللّٰه» ۲۴؛ چون به شما از چیزی خبر دهم از من پرسید کجای قرآن است. و نیز آن حضرت می‌فرماید: «واللّٰه انا لخزان اللّٰه فی سمائه و ارضه» ۲۵؛ به خدا سوگند ما خزانه دار خداییم در آسمان و زمینش نه آن که خزانه دار طلا و نقره باشیم. بلکه خزانه دار علمش هستیم.

در این فراز به بیان نمونه‌هایی از مناظرات امام باقر (ع) که مستند به استدلالات قرآنی است می‌پردازیم، و از لابه لای این مناظرات روش‌ها و ارزش‌های حاکم بر رفتار ارتباطی ایشان را که برگرفته از آموزه‌های قرآن است بیان می‌کنیم تا با جمع‌بندی آنها الگوی مناسبی را در مهارت‌های ارتباطی که متأثر از خلق عظیم است ارائه دهیم.

الف: مناظره امام محمد باقر (ع) با هشام بن عبدالملک: در سال ۱۰۶ هجری هشام بن عبدالملک به عزم حج به مکه رفته بود. روزی پس از أداء مناسک در مسجد الحرام امام باقر (ع) را دید که در مسجد جلوس فرموده و اطراف او را گروهی انبوه از مسلمین گرفته‌اند

و پرسش های خود را می پرسند . و امام (ع) جواب می دهد و مردم نسبت به او کمال احترام را دارند... . هشام از مشاور خود خواست نزد امام برود و از او بپرسد: مردم در روز قیامت که پنجاه هزار سال طول می کشد، چه می خورند و چه می آشامند تا نوبت حساب آنها برسد. امام (ع) فرمودند: «در آن روز مردم از نان «حواریون» که آب گوارا در آن هست می خورند و می آشامند تا از حساب فراغت یابند». سالم مشاور هشام برگشت و سخن امام (ع) را به او گفت. هشام اندیشید که شاید بر ابوجعفر (ع) غالب شود لذا گفت: برو و سوال کن در آن غوغا و هول هیبت چگونه میل به خوراک پیدا می کنند؟ سالم بازگشت و سؤال را مطرح کرد، و حضرت در پاسخ فرمودند: «اشتغال اهل آتش، از آتش بیشتر است از اشتغال اهل محشر به هول و هیبت حساب؛ با این وجود کسانی که در جهنم و در میان آتشدن به فکر خوردن و آشامیدن هستند و می گویند «أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» [الاعراف، ۷/۵۰]، هشام با شنیدن این پاسخ سر به زیر انداخت و خاموش شد. ۲۶

ب: در یک سفر حج هشام یکی از هواداران خود که مردی دانشمند بود به نام نافع نزد امام (ع) فرستاد تا مسائلی را از آن حضرت (ع) بپرسد شاید نتواند پاسخ گوید و موجب خواری امام (ع) گردد.

نافع به امام (ع) گفت: از تو مسائلی می پرسم و البته کسی نمی تواند به این مسائل پاسخ بگوید مگر نبی مرسل و وصی پس از او. امام فرمود: «هر چه می خواهی بپرس». نافع پرسید: میان عیسی (ع) و محمد (ص) چه مدت فاصله زمانی بود. امام (ع) فرمود: «طبق نظر و گفته شما یا به نظر ما؟» نافع گفت: هر دو را بفرمایید. امام (ع) فرمود: «به زعم شما ۶۰۰ سال و به عقیده ما ۵۰۰ سال». نافع پرسید: درآیه «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ» [الزخرف، ۴۳/۴۵]، پیامبر (ص) از چه کسی سؤال کرد؟ در زمان او که پیامبری نبود غیر از خودش. حضرت در پاسخ این آیه را تلاوت کرد: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» [الأسرى، ۱۷/۱]، پاسخ پیامبر (ص) با پیامبران در آسمان به عمل آمد.

آنگاه فرمود: «حافظ ابونعیم از پیامبر (ص) روایت کرده که پروردگار، انبیا را در آسمان جمع کرد و آنان را مخاطب قرار داده و پرسید: فإوحى الله إلى رسلهم بماذا بعثتم؟ قالوا بعثنا على شهادة ان لا اله الا الله و على الاقرار بنبوتهك والولاية لعلی بن البیطالب».

نافع پرسید: أخبرنی عن الله متى كان؟ امام (ع) فرمود: «ویلك متى لم یكن حتى اخبرك

متی کان؟ . سبحان لم یزل و لایزال فردا صمدا، لم یتخذ صاحبةً ولا ولدا؛ حضرت در پاسخ فرمود: وای بر تو او کی نبوده؟ منزّه است آن آفریننده ای که هیچ وقت زائل نشده و نمی شود، او یک فردی تنها و بی نظیر است که همسر و فرزندی ندارد او منزّه است. نافع سوالات بسیار کرد و امام (ع) به تمام آنها پاسخ داد وی در پایان گفت: انت واللّه اعلم الناس حقاً حقاً. ۲۷

ج: مناظره امام باقر (ع) با نافع بن ازرق - یکی از سران خوارج - : روزی نافع بن ازرق به حضور امام رسید و مسائلی را از حرام و حلال پرسید. امام به سوالات وی پاسخ داد و ضمن گفتگو فرمود: «به مارقین بگو چرا جدایی از امیرمؤمنان (ع) را حلال شمردید در صورتی که قبلاً خون خویش را در کنار او در راه طاعت از او نثار می کردید و یاری او را موجب نزدیکی به خدا می دانستید؟» امام فرمودند: «آنان خواهند گفت که او در دین خدا حکم قرار داد. به آنان بگو: خداوند در شریعت پیامبر خود در دو مورد دو نفر را حکم قرار داده است یکی در مورد اختلاف میان زن و شوهر است». آنگاه امام آیه ۳۵ سوره نساء را تلاوت نمودند. «دیگری داوری سعد بن معاذ است پیامبر (ص) او را در میان خود و قبیله یهودی بنی قریظه حکم قرار داد، و او هم طبق حکم خدا نظر داد». آنگاه فرمود: «آیا نمی دانید که امیرمؤمنان علی (ع) حکمیت را به این شرط پذیرفت که دو داور بر اساس حکم قرآن داوری کنند و از حدود قرآن تجاوز نکنند و شرط کرد که اگر بر خلاف قرآن رای بدهند مردود خواهد بود؟ وقتی که به امیرالمومنین (ع) گفتند: داوری که خود تعیین کردی بر ضرر تو نظر داد. فرمود: من او را داور قرار ندادم، بلکه کتاب خدا را داور قرار دادم، اما بدعت و بهتان خود را گمراهی به حساب نمی آورند؟». نافع با شنیدن این بیانات گفت: به خدا سوگند این سخنان را نشنیده بودم و نه به ذهنم خطور کرده بود، حق همین است. ۲۸

د: مناظره امام با عمرو بن عبید از بزرگان اهل سنت: روزی عمرو بن عبید بر امام باقر (ع) وارد شد و می خواست او را با پرسش های خود آزمایش کند، از امام پرسید درباره آیه «أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» [الانبیاء، ۲۱/۳۰]؛ این بستن و شکافتن در آسمان ها و زمین چه بوده؟ حضرت فرمودند: «آسمان بسته بود. یعنی: باران فرو نمی فرستاد؛ و زمین بسته بود. یعنی: گیاه نمی رویانید.

مرتبه دوم پرسید: جُعِلَتْ فِدَاكَ از گفتار خداوند آگاه کن که «وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى» [طه، ۲۰/۸۱]؛ آنکه فرود آید بر او خشم من همانا تباه گشت. خشم خدای عزوجل

چگونه است؟ امام فرمودند: «ای عمر و خشم خدا عقاب است و هر که پندارد که خدای تعالی را چیزی تغییر دهد همانا چنین کسی کافر شده است. ۲۹»

در این چهار مناظره ملاحظه کنیم اساس پاسخ و پرسش های طرح شده قرآنی است و استدلال امام (ع) نیز بر اساس برهانی است که از آیات قرآن اخذ شده است، علاوه بر این که در مناظره با عمرو بن عبید امام (ع) در قبال انحرافات اعتقادی در مساله توحید و صفات باری تعالی و راه نیافتن تغییر در ذات خدا موضع گیری نموده است.

از مبارزات آن حضرت (ع) موضع گیری علیه تحریف گران و گروه مرجئه بود همچنین مباحثات و مناظرات آن حضرت با مخالفین از جمله محمد بن منکدر، قتاده، طاوس یمانی، ابوحنیفه، حسن بصری و بعضی از کیسانیه در کتب روایی معروف است. ۳۰

هـ: مناظره امام با محمد بن المنکدر: محمد بن منکدر از زهاد مشهور زمان خود و

از عامه بود ولی محبت شدیدی به اهل بیت (ع) داشت. ۳۱

از منکدر نقل شده روزی در ساعات گرمای شدید، به ناحیه ای بیرون مدینه رفتم ابوجعفر محمد (ع) را دیدم در حالی که مردی سنگین وزن بود و به دو غلام تکیه داده بود. با خود گفتم: سبحان الله شیخی از شیوخ قریش در این ساعات روز در طلب دنیا است. پس می روم او را موعظه کنم. به او نزدیک شدم و گفتم: خداوند امورت را اصلاح کند! در این ساعت گرما شیخی از شیوخ قریش در طلب دنیا! چرا به این حالت هستی؟ اگر الان أجلت برسد و بر همین حال باشی چه خواهی کرد؟ امام (ع) فرمود: «لو جاءني الموت و انا على هذه الحال جاءني و أنا في طاعة من طاعة الله - عزوجل - أكف بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس...» محمد بن منکدر می گوید: گفتم درست می گویی. خدا تو را رحمت کند. خواستم تو را موعظه کنم. اما تو مرا موعظه کردی. ۳۲

و: مناظره امام با قتاده بصری: قتاده بن دعامة بصری روزی نزد امام باقر (ع) رفت. امام (ع) فرمودند: «تو فقیه بصره هستی؟». قتاده گفت مردم چنین می گویند. امام (ع) فرمود: «شنیده ام که قرآن را تفسیر می کنی؟». گفت: بله. امام (ع) فرمود: «از روی علم تفسیر می کنی یا از روی جهل؟». گفت: با علم. امام باقر (ع) فرمود: «اگر به علم خودت تفسیر می کنی، پس خودت هستی و من از تو سؤال می کنم». حضرت درباره آیه ۱۸ سوره سبا «وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» سؤال کرد؟ پاسخ قتاده مقبول نبود. امام به او فرمودند: «به هوای نفس خودت تفسیر کردی، پس هلاک شدی و دیگران را

هلاک کردی». سپس درباره آیه ۳۷ سوره ابراهیم که می فرماید: «فَجَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» پرسید: اما تفسیر او پذیرفته نشد و حضرت به او فرمودند: «و یحک یا قتاده. یعرف القرآن من خطوب به»^{۳۳}؛ یعنی: وای بر تو ای قتاده! قرآن را آنها می دانند که مورد خطاب قرآن هستند. [یعنی این ما هستیم که قرآن را می فهمیم].

ز: مناظره امام باقر(ع) با اسقف مسیحی در شام: خلیفه اموی هشام بن عبدالملک را واداشت تا امام باقر(ع) را از مدینه به شام تبعید کند. امام باقر(ع) در مدت اقامت خود در شام با مردم آن جا رفت و آمد داشت. روزی دید گروهی از نصاری به سوی کوهی می روند از همراهان خویش پرسید: پاسخ دادند یکی از دانشمندان نصاری در آن کوه منزل دارد... هر سال در چنین روزی به دیدار آن عالم می روند و مسائل خود را از او می پرسند. حضرت با همراهانش به نزد عالم مسیحی رفتند. هنگامی که چشم عالم به امام(ع) افتاد متوجه او شد؛ و به آن حضرت گفت: آیا شما از نصاری هستید یا از امت مرحومه می باشید؟ امام فرمود: «از امت مرحومه و جزو مسلمانان می باشم». عالم مسیحی پرسید: «آیا از دانشمندان یا از نادانان». امام(ع) فرمود: «از نادانان نیستم». عالم گفت: شما سوال می کنید یا من بپرسم. امام(ع) فرمود: «هر چه می خواهید بپرسید...».

عالم پرسید: خبر بده مرا از ساعتی که نه شب است و نه روز، آن چه ساعتی است؟ امام فرمود: «آن ساعت از طلوع فجر تا طلوع خورشید است».

عالم پرسید: آن ساعت که نه از شب است و نه از روز چه ساعتی است؟ امام(ع) فرمود: «آن ساعت از ساعات بهشت است لذا در آن ساعت بیماران به هوش می آیند و دردها ساکن می شوند و کسی که شب را نخوابیده در این ساعت به خواب می رود و خداوند این ساعت را در دنیا موجب علاقه کسانی که به آخرت رغبت دارند گردانیده...».

عالم پرسید: خبر بده مرا از ساکنین بهشت که چگونه غذا می خورند و می آشامند ولی تخلیه نمی کنند، آیا نظیرش در دنیا وجود دارد؟ امام(ع) فرمود: «مثل آنها به سان جنین است که در شکم مادر می خورند ولی بول و غائط از او جدا نمی شود».

عالم پرسید: خبر دهید مرا از آنچه مشهور است که میوه های بهشت کم نمی شود و هر مقدار که از آنها خورده شود باز به حالت اول خود باقی است؟ آیا در دنیا نظیری دارد؟ امام(ع) فرمود: «نظیرش در دنیا شمع افروخته یا چراغ است که اگر صد هزار چراغ از او روشن کنند نورش کم نمی شود و به حالت خود باقی است...». در پایان عالم مسیحی

گفت: از من داناتر و بهتری را آورده‌اید تا مرا رسوا کنید. قسم به خدا، تا این مرد دانشمند و بزرگوار در شام است من با شما نصاری سخن نمی‌گویم و از من چیزی نپرسید. از آن پس نصاری هر چه سوال داشتند از امام(ع) می‌پرسیدند و جواب کافی می‌گرفتند. ۳۴

چنانکه در مناظره اخیر ملاحظه کنیم اساس این مناظرات بر اساس علم امام(ع) بر حقایقی است که از چشمه سار علم امامت نشأت گرفته است.

هنگامی که سیره نبوی(ص) و امامان اهل بیت(ع) را مطالعه کنیم از روش‌ها و ارزش‌های حاکم بر رفتار ارتباطی ایشان دست مایه‌هایی در پیش روی ما قرار می‌گیرد که با جمع بندی آنها می‌توانیم الگوی مناسبی از مهارت‌های ارتباطی را ارائه دهیم.

مهارت‌های ارتباطی مجموعه‌ای از رفتارهایی هستند که کیفیت ارتباط فرد با فرد را مشخص می‌کنند. این مهارت‌ها توانایی‌های لازم برای انجام رفتارهای هدفمند و موفقیت آمیز هستند.

مهارت‌های ارتباطی روش‌ها و شیوه‌های ضروری برای یک زندگی سالم و سازنده‌اند که سبب سازگاری با دیگران و شکل‌گیری رفتارهای مثبت و مفید می‌گردند. این توانایی‌ها آدمی را قادر می‌سازند تا نقش مناسب خود را در جامعه به خوبی ایفا کند بدون آنکه به خود و دیگران آسیب رساند. در سیره معصومین(ع) و به خصوص در شیوه برخورد امام باقر(ع) مهارت‌های ارتباطی را در قالب آداب معاشرت ملاحظه می‌کنیم. معاشرت به معنای الفت، مصاحبت و با هم زندگی کردن و با یکدیگر دوستی و آمیزش داشتن است. ۳۵

امامان معصوم(ع) با اقشار مختلف مردم نشست و برخاست داشتند و در تعاملات اجتماعی با نیکوترین صورت با آنان برخورد می‌کردند و با توجه به ظرفیت و استعداد عقلانی آنها وظیفه اصلی خویش را که هدایت خلق بود به انجام می‌رساندند.

با تأمل در سیره حضرت ابوجعفر باقر(ع) به ویژگی‌ها و شیوه‌هایی برخورد می‌نمایم که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف: لحن نرم و عاری از خشونت. ب: گوش سپردن به سخنان طرف مقابل. ج: گزیده‌گویی. د: شفاف و قابل فهم بودن کلام. ه: اصلاح انگیزه‌ها. و: اصل اندیشه ورزی. ز: اصل امر به معروف و نهی از منکر.

اکنون به توضیح مختصر موارد فوق می‌پردازیم:

الف: لحن نرم و عاری از خشونت: در روابط بین فردی لحن تند و خشن، حتی اگر

به منظور اهانت به دیگری نباشد موجب می شود دیگران در مقابل ما حالت تدافعی بگیرند و از ارتباط با ما دلسرد شوند. در ایجاد ارتباط کلامی لحن کلام اهمیت کلیدی دارد. خداوند متعال برای به راه آوردن فرعون به حضرت موسی (ع) می فرماید: «ذَهَبًا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا» (طه، ۲۰/۴۳-۴۴)؛ به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوید. خداوند تعالی در ادامه به تاثیر سخن نرم که برخاسته از ادب و متانت در بیان است اشاره کرده می فرماید: «... لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»؛ شاید که پند پذیرد یا بترسد. و نیز در فرمانی از قوم بنی اسرائیل می خواهد که «... وَتُؤَلُّوا لِلنَّاسِ حُسْنًا...» (البقره، ۲/۸۳)؛ و با مردم [به زبان] خوش سخن بگوید...». و خدای سبحان یکی از دلایل گرایش مردم را به آیین اسلام خلق عظیم محمدی (ص) و نرمی در گفتار و رفتار آن جناب می داند از این رو می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران، ۳/۱۵۹)؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند... و این سیره در امام باقر (ع) که به فرموده پیامبر (ص) شبیه ترین مردم در خلقت و خوی به آن حضرت است کاملاً مشاهده می شود.

ب: گزیده گویی: سخن هر قدر هم قابل فهم و دلنشین باشد در صورتی که به تفضیل به انجامد از حوصله شنونده خارج شده و با بی میلی به آن گوش خواهد داد. از این رو هنگام سخن گفتن باید برای پرهیز از تفضیل کلام، کلمات را برگزید و نیکوترین آنها را انتخاب کرد به طوری که هم مقصود را برساند و هم کوتاه و مختصر باشد از این رو هادیان الهی که خواهان رساندن حق و حقیقت به مردم هستند در گفتار و ابلاغ پیام شان به این نکته توجه دارند که بیانات شان در عین اینکه در اوج حقایق است ساده و روشن و قابل فهم در قالب بلاغ مبین باشد و از هر گونه زیاده گویی و حواشی پرهیز می کنند در ضمن آن که امساک در کلام ندارند. امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: «إِنَّا لِأَمْرَاءِ الْكَلَامِ، وَفِيْنَا تَنْشِبَتْ عَرُوقُهُ، وَ عَلَيْنَا تَهْدَلَتْ غَصُونُهُ»^{۳۶}؛ یعنی: ما امیران سخن می باشیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده است. با نگاهی به مناظرات حضرت باقر العلوم (ع) این ویژگی را در تمام آن مناظرات می توان مشاهده کرد.

ج: گوش سپردن به سخن طرف مقابل: گاهی اختلافات و درگیری های ایجاد شده میان افراد هنگام برقراری ارتباط رو در رو، رعایت نکردن این کار است. در صورتی که این

امر هنگام برقراری رعایت نشود و بسا سخنی ناقص شنیده شود و سوء تفاهم به وجود آورد. ۳۷ رسول اکرم (ص) در لزوم داشتن چنین مهارتی برای حفظ روابط بین فردی می فرماید: «از جوانمردی است که اگر برادرت سخن گفت به سخنش گوش بسپاری». ۳۸ امام باقر (ع) می فرماید: «بر شنیدن خود حریص تر و آزمندتر باش از این که سخنانی بگویی و خوب گوش کردن را بیاموز چنان که خوب سخن گفتن را می آموزی». ۳۹

د: شفاف و قابل فهم بودن کلام: در مناظره یکی از مهارت های ارتباطی که باید در آن لحاظ گردد شفاف و قابل فهم بودن موضوع یا جوابیه آن است: چنانچه قبلاً بیان شد استدلالات امام باقر (ع) مبتنی بر آیات قرآن و روایات آباء طاهرینش و نیز با علم امامت صورت گرفته است. اما پایه این سخنان به گونه ای است که شنونده آن را می فهمد. از این رو امیرمومنان علی (ع) می فرماید: «نیکوترین گفتار، کلامی است که منطوق و نظم زیبایش کرده باشد و برای همه مردم از خواص و عوام قابل فهم باشد». ۴۰ بنا بر مناظرات امام باقر (ع) و نیز سخن امیرکلام (ع). هنگام گفتگو با دیگران به چند نکته باید توجه داشت: اول: اینکه سخن باید منطقی باشد تا برای هر شخصی از نظر عقلی پذیرفتنی باشد. دوم: سخن باید نظم داشته باشد، یعنی: از پراکنده گویی و کلمات بی مورد پرهیز شود. سوم: برای هر شخصیتی قابل فهم باشد، یعنی: به میدان درک مخاطب توجه شود. نبی اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ». ۴۱

هـ: اصلاح انگیزه ها: رفتارهای افراد برخاسته از انگیزه هایی است که از افکار و خواسته های نشت می گیرد، این انگیزه ها را می توان به دو دسته: انگیزه های مثبت، و انگیزه های منفی تقسیم کرد. یکی از انگیزه های مثبت تامین نیازهای مادی است که برای تداوم حیات زندگی فرد ضروری است. از سویی بر اساس کتاب مبین و تعالیم معصومین (ع) باید بینش و معرفت انسان ها را از کسب لذات جسمانی فراتر برد و آن را به سمت انجام وظایف فردی و اجتماعی، خدمت به خلق و قدرت یافتن برای عبادت و بندگی و بی نیازی از سوال کردن از مردم سوق داد. زیرا این تلاش ها علاوه بر نتایج مادی و ظاهری پاداش اخروی نیز دارند. از سوی دیگر، ممکن است افرادی به انگیزه های منفی بسنده کنند به این ترتیب که یا فقط همت خویش را صرف برآوردن و اشباع غرائز حیوانی و مقام و شهرت و خودنمایی کنند و یا از دنیا چشم پوشیده و با برداشت غلط از تعالیم آسمانی به زهد و انزوا روی آورند. در مناظره امام باقر (ع) با محمد بن منکدر آن حضرت (ع)

با توجه به این اصل دیدگاه او را به دنیا و کار و تلاش اصلاح نمود. آنجا که فرمود: «لو جاءني الموت وأنا على هذه الحال جاعني وأنا في طاعة من طاعة الله عز وجل، اكف بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس». ۴۲

و: اصل اندیشه ورزی: یکی از ویژگی های عمومی انسان ها اندیشه ورزی و تفکر است. انسان می تواند به مرتبه ای بالاتر از فرشتگان صعود کند و هم به مرتبه ای پایین تر از چهارپایان نزول یابد امام حسن عسکری (ع) عبادت را تفکر در آیات خدای دانند و می فرماید: «ليست العبادة كثرة الصيام و الصلاة و إنما العبادة كثرة التفكير في امر الله» ۴۳. عقل ورزی در دو سطح قابل طرح است «عقل ورزی در سطح شناخت - بازشناسی - عقل ورزی در سطح عمل - بازداری - ؛ عقل ورزی در سطح شناخت به این معناست که فرد تلاش های شناختی خود را چنان تحت ضبط و کنترل درآورد که از کج روی در اندیشه مصون بماند و در نتیجه به شناخت یا بازشناسی امر مورد نظر راه یابد. در این سطح لازمه عقل ورزی برخورداری از علم است و عقل ورزی در سطح عمل، ناظر به ایجاد ارتباط میان شناخت ها و اعمال خواهد بود». ۴۴

البته عقل به عنوان منبع معرفتی به تنهایی نمی تواند راه گشای انسان باشد مگر آن که عقلی که برخاسته از عقل سلیم و مبتنی بر ووحی باشد وگرنه انسان در بعد معرفتی نیازمند به وحی نیز هست. در مناظره امام باقر (ع) با نافع بن أزرق از سران خوارج در تایید امامت امیرمؤمنان علی (ع) و سیره ایشان در حکمیت، آن حضرت با استدلال به قرآن و اصل اندیشه ورزی، نافع بن أزرق را متنبه ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات علوم انسانی

امر به معروف و نهی از منکر
آیین اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، ضمن این که از مسئولیت افراد نسبت به هم، افراد نسبت به حکومت و حکومت نسبت به افراد سخن می گوید راه کاری به نام امر به معروف و نهی از منکر را پیش بینی نموده است. امام باقر (ع) می فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصَّالِحِينَ» ۴۵؛ امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و روش صالحان است. خداوند متعال اساس دعوت گران الهی را بر همین اصل نهاده است. قرآن کریم می فرماید: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يُتَنَفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (الذاریات، ۵۱/ ۵۵)؛ پند ده، که مومنان را پند سود بخشد. روش امر به معروف و نهی از منکر در جلوگیری

از گمراهی انسان‌ها نقش اساسی دارد و هنگامی اعمال می‌شود که روش ارشاد و راهنمایی موثر واقع نشود. اما در به کارگیری این روش باید شرایط و نکاتی مورد توجه قرار گیرد. زیرا به کاربردن این روش باعث ایجاد و استحکام نظام ارزش‌ها در فرد و جامعه می‌شود.

اساس دعوت پیامبران به خداپرستی و نیکی و بازداشتن از کفر و ظلم و گناه، بر پایه دعوت قولی و تذکر لسانی بود. روش رسول خاتم(ص) نیز از آغاز بعثت، تذکر و ابلاغ پیام به مردم بود، و در مواردی که احتمال تاثیر نیز بسیار کم بود باز هم آن حضرت تذکر را به کار می‌بست و سخن حق را به مردم یادآور می‌شد.^{۴۶} این سیره در مناظرات امام باقر(ع) کاملاً مشهود است و امامان اهل بیت(ع) در مقابل همه آحاد جامعه از خلفا و سران ملحد گرفته تا سایر عوام مردم به این شیوه عمل می‌کردند و ما نیز با مطالعه در سیره امام باقر(ع) نسبت به خلفای وقت و موارد دیگر این شیوه را به صورت لسانی و عملی ملاحظه می‌نمائیم.

مجموعه روش‌ها و شیوه‌هایی که از معصومین(ع) و خصوصاً امام محمد باقر(ع) در مناظرات مشاهده می‌شود با توجه به اصلی است که آن را می‌توان به شیوه حکمت و موعظه نسبت داد؛ و حکمت یک حالت و حصیصه درک و تشخیص است که شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد و حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی بلکه شیء محکم خارجی از نتایج آن است.^{۴۷} همان‌گونه که عصمت نهایت درجه ایمان و عقل است و عاملی است درونی که شخص را از ارتکاب گناه و اشتباه بازمی‌دارد حکمت نیز از خصایص و نتایج عقل است از این رو آنان که به نیروی عصمت مجهز هستند، این خصیصه را نیز دارا هستند و از آن جایی که این خصیصه از نتایج عقل سلیم است، در انسان‌ها این تشخیص به تناسب علم و طهارت باطنی شان شدت و ضعف می‌یابد.

نتیجه‌گیری

تاریخ هنگامی که از زندگانی باقرین(ع) سخن می‌گوید صرفاً مقابله و مبارزه‌های فکری آنان را در جریانات مختلف یادآور می‌شود و آنها را نقل می‌کند و ما با مطالعه در اخبار و مناظراتی که از آنان نقل شده می‌توانیم به تغذیه فکری و خدمات گسترده علمی آنان که برای ترقی اندیشه و اعتقادات اسلامی در جهت ارائه خدمات و احیای اندیشه صحیح اسلامی در قالب مجالس درس و مناظرات و یا تربیت شاگردان به انجام رساندند

آگاهی یابیم. در میان امامان اهل بیت (ع) دو امام رهبری اندیشه اسلامی را به عهده داشتند امام ابو جعفر محمد باقر (ع) و حضرت ابوالحسن الرضا (ع)، سایر امامان (ع) همچنان که مناقشات و مبارزات فکری داشتند به امور دیگر نیز می پرداختند ولی میدان مبارزه فکری، فلسفی، اعتقادی و فکری ایشان به اندازه امام باقر (ع) و حضرت رضا (ع) نبود. با مطالعه درسیره نبوی و امامان اهل بیت (ع) از روش ها و شیوه ها و ارزش های حاکم بر رفتار ارتباطی ایشان که برگرفته از آموزه های قرآن است دست مایه هایی در پیش روی ما قرار می گیرد که با جمع بندی آنها می توانیم الگوی مناسبی از مهارت های ارتباطی را به دست آوریم.

۱. الکافی، ۲/ ۳۷۲؛ ارشاد مفید، ج ۲.
۲. بحارالانوار، ۲۶/ ۲۱۵.
۳. الکافی، ۲/ ۳۷۴.
۴. همان، ۷۲، ارشاد مفید، ج ۲.
۵. ارشاد مفید، ج ۲.
۶. علل الشرایع، ۱/ ۲۳۳.
۷. المفردات، ۱۳۸.
۸. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۲۸۸.
۹. عیون أخبار الرضا (ع)، ۱/ ۱۱۲.
۱۰. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۲۷۹.
۱۱. روضة الواعظین، ۳۲۹.
۱۲. مناقب آل ابي طالب، ج ۳، بحارالانوار، ۴۶/ ۲۹۴.
۱۳. ارشاد مفید، ۲/ ۲۴۰.
۱۴. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ۹۳.
۱۵. تاریخ حدیث شیعه - غروی - ۱۹۳.
۱۶. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ۹۵.
۱۷. لغت نامه دهخدا، ۴۶/ ۱۱۷.
۱۸. روشهای تبلیغ، ۱۸۶.
۱۹. همان، ۱۸۷-۱۸۶.
۲۰. همان. عیون أخبار الرضا، ۱/ ب ۱۱-۱۴.
۲۱. تاریخ حدیث شیعه - غروی - ۱۷۳.
۲۲. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۳۱۵.
۲۳. الکافی، ۲/ ۳۷۴.
۲۴. همان، ۱/ ح ۵.
۲۵. همان، کتاب الحجّة، ج ۲.
۲۶. مناظرات شیعه و سنی، ۸۱/ ۸۲ به نقل از، احتجاج طبرسی، ۱۷۶؛ بحارالانوار، ج ۱۱.
۲۷. همان.
۲۸. همان، ۸۸، به نقل از احتجاج طبرسی، ج ۲.
۲۹. ارشاد مفید، ۲/ ۲۳۸.
۳۰. تاریخ حدیث شیعه، ۲۰۱، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۶ و الکافی، ج ۸.
۳۱. همان، ۲۰۰، به نقل از جامع الروات، ج ۲.
۳۲. الکافی، ۵/ ۷۵.
۳۳. همان، ج ۶ و ۸.
۳۴. مناظرات شیعه و سنی، ۸۶-۸۷، به نقل از تفسیر جامع، ج ۱.
۳۵. فرهنگ عمید، ۱۱۳۴.
۳۶. نهج البلاغه، خ/ ۲۳۳.
۳۷. فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۱۰/ ۲۲.
۳۸. نهج الفصاحة، ۲/ ح ۳۰۷۰.
۳۹. فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۱۰/ ۲۲.
۴۰. غررالحکم و درر الکلم، ح ۳۳۰۴.
۴۱. الکافی، ۱/ ۲۷.
۴۲. همان، ۵/ ۷۳.
۴۳. الحیة، ۱/ ۸۹.
۴۴. فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۱۰/ ۶۶.
۴۵. وسائل الشیعة، ج ۱۱.
۴۶. راه رشد، محدثی، ۴۸-۴۹.
۴۷. قاموس قرآن، ۲- ۱/ ۱۶۳.